

Representation of Spatial Atmosphere in *Harry Potter and the Prisoner of Azkaban*

SeyyedAli Tabatabaie Ebrahimi

Ph.D, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Zohreh Tafazzoli, Ph.D.*



Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: September 27, 2023

Revised: January 8, 2024

Accepted: January 20, 2024

(Pages: 1–17)

Tabatabaie Ebrahimi, SeyyedAli, and Zohreh Tafazzoli. "Representation of Spatial Atmosphere in *Harry Potter and the Prisoner of Azkaban*". *Soffeh* 36, no. 1 (2026): 1–17.

DOI: <http://doi.org/10.48308/sofeh.2023.232006.1265>

Abstract:

Background and objectives: This article investigates and introduces the modes through which spatial atmosphere is represented in *Harry Potter and the Prisoner of Azkaban*. Understanding the techniques for staging spatial atmosphere in a narrative can foster the reader's imagination and deepen their perception of the elements that generate atmospheric qualities. Spatial atmosphere in fiction emerges through the mediation of specific generators within the text, producing an integrated experience between the external environment and the internal states of the characters. Scholars of architecture who explore the relationship between literature and design have shown particular interest in

Keywords:

Spatial atmosphere,
Design imagination,
Representation,
Narrative atmosphere,
*Harry Potter and the
Prisoner of Azkaban*.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 36, Issue 1, No. 112, 2026



P-ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: aeinifar@ut.ac.ir

<http://doi.org/10.48308/sofeh.2023.232006.1265>

atmosphere, as identifying how diverse atmospheres are constructed in fiction can inform both writers and architects—especially those seeking to create spaces with distinct atmospheric qualities. Hence, examining various strategies for evoking atmosphere in narrative can contribute to the development of architectural design skills.

Materials and methods: Relying on the theories of Gernot Böhme, Peter Zumthor, and Alberto Pérez-Gómez, this research introduces aspects of experiencing spatial atmosphere. In the next step, based on these theories and drawing on the work of Klaske Havik and her concept of atmosphere threshold, the study presents atmosphere generators within the text as tools to identify and introduce various methods of representing spatial atmosphere in *Harry Potter and the Prisoner of Azkaban*. Using key concepts from these thinkers and through a descriptive and analytical strategy, the study explores and classifies different modes of atmospheric representation in the story.

Results and conclusion: The spatial atmosphere in *Harry Potter and the Prisoner of Azkaban* is constructed through six distinct modes: 1- Defamiliarisation of place, 2- Environmental influence on character mood, 3- Collective use of space, 4- Mapping and temporal awareness, 5- Technological speculation, and 6- Atmospheric enchantment. For each mode, specific narrative instances are examined, along with their function within the story and their potential contribution to the imaginative development of architects.

بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان^۱

سیدعلی طباطبائی ابراهیمی^۲

زهرة تفضلی^۳

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۵ مهر ۱۴۰۲

بازبینی: ۱۸ دی ۱۴۰۲

پذیرش: ۳۰ دی ۱۴۰۲

(صفحه ۱-۱۷)

طباطبائی ابراهیمی، سیدعلی و زهرة تفضلی. «بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان». فصلنامه علمی معماری و شهرسازی صنف، سال ۳۶، شماره ۱ (۱۴۰۵): ۱-۱۷

کلیدواژگان: کلیدواژگان: اتمسفر فضا، تخیل طراحی، بازنمایی، اتمسفر داستانی، هری پاتر و زندانی آزکابان.

چکیده

اهداف و پیشینه‌ها: در این مقاله نحوه بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان شناسایی و معرفی می‌شود. شناخت شیوه‌های ساختن اتمسفر فضا در یک داستان می‌تواند تخیل خواننده را پرورش دهد و کمک کند عوامل مختلف سازنده کیفیت اتمسفرهای مختلف را بهتر دریابد. اتمسفر فضا با میانجیگری مولدهای اتمسفر در یک متن داستانی پدید می‌آید و تجربه‌ای یکپارچه میان محیط بیرونی و حالات درونی کاراکترهای داستانی را برای خواننده به وجود می‌آورد. محققان حوزه معماری که در نسبت میان ادبیات و طراحی معماری می‌اندیشند، به اتمسفر توجه ویژه‌ای دارند؛ چراکه شناخت نحوه برپایی اتمسفرهای فضایی مختلف در داستان، علاوه بر نویسندگان، برای معماران — که می‌خواهند فضاهایی با اتمسفرهای متنوع پدید آورند — نیز مفید است و از این رو با معرفی انواع مختلف ساخت آن در یک متن داستانی، می‌توان در پرورش مهارت طراحی معماری هم از آن بهره برد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش با تکیه بر نظریات گرنوت بومه، پیتروموتور، و آلبرتو پرس — گومس به معرفی وجوه تجربه اتمسفر فضا پرداخته می‌شود و در قدم بعدی با نظر به این آراء و بهره‌گیری از

پژوهش‌های کلاسیک هاویک و میانجی‌های ساخت اتمسفر که او تبیین کرده است، مولدهای اتمسفر در متن به مثابه ابزاری معرفی می‌شود تا با استفاده از آن، شیوه‌های مختلف بازنمایی اتمسفر فضا در داستان شناسایی شود. در قدم آخر با استفاده از مفاهیم کلیدی این دو و از طریق راهبرد توصیفی — تحلیلی، انواع مختلف بازنمایی اتمسفر فضا در داستان یادشده شناسایی و معرفی می‌شود.

نتایج و جمع‌بندی: اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان به شش شکل مختلف برپا شده است. این شش شیوه بروز اتمسفر در این متن عبارتند از: ۱. آشنایی‌زدایی از مکان، ۲. تأثیر محیط بر احوال شخصیت، ۳. استفاده جمعی از فضاها، ۴. تقویم نقشه موقعیت بر آگاهی، ۵. گمانه‌زنی تکنولوژیک، و ۶. اعجاز اتمسفریک. مصادیق داستانی هریک از این شیوه‌های بروز و نقش آنها در داستان و همچنین نسبتی که با پرورش تخیل معمار می‌تواند داشته باشد، در توضیح هر دسته آمده است.

مقدمه

متفکران متعددی چون آلبرتو پرس — گومس^۴، سوفیا سارا^۵، بتاتریس

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان تأثیر ادبیات داستانی بر پرورش تخیل طراح که به راهنمایی دکتر حمید ندیمی و نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در بهمن ۱۴۰۲ دفاع شده است.

۲. دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
s_tabatabaie@Sbu.ac.ir

۳. نویسنده مسئول

z_tafazzoli@sbu.ac.ir

4. Alberto Prez-Gómez

5. Sophia Psarra



فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وششم، بهار ۱۴۰۵، شماره ۱، پیاپی: ۱۱۲
*. Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

Corresponding Author Email Address: z_tafazzoli@sbu.ac.ir
<http://doi.org/10.48308/sofeh.2023.232006.1265>

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی

۱. اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان چگونه بازنمایی شده است؟

پرسش‌های فرعی

۱. مولد اتمسفر چیست و چگونه باعث بازنمایی اتمسفر فضا در یک داستان می‌شود؟

۲. در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان بازنمایی اتمسفر فضا به چه روش‌هایی صورت یافته است؟

6. Beatrice L Bridglall
7. Klaske Havic
8. Edward Hall
9. Yi-Fu Tuan
10. Michel De Certeau
11. Representation
12. Space Atmosphere
13. Klaske Havik, Hans Teerds, and Gus Tielens, "Building Atmosphere", *OASE Journal for Architecture*, vol. 91, no. 1 (2013): 3

برینگل^۶ و کلاسک هاویک^۷ در آثار مختلفی از رابطه میان ادبیات داستانی و معماری و مفاهیم مشترک این دو حوزه سخن گفته‌اند. این محققان به آراء نظریه‌پردازانی چون ادوارد هال^۸، یی فو توان^۹، و میشل د سرتو^{۱۰} اشاره کرده‌اند که در نوشته‌هایشان بر اهمیت ادبیات داستانی برای درک بهتر رابطه فرد با محیط تأکید می‌کنند. یکی از جنبه‌هایی که در این مجموعه آثار به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن پرداخته شده بازنمایی^{۱۱} اتمسفر فضا^{۱۲} در ادبیات داستانی است.

محققان معماری برای کسب معرفت‌های لازم در حرفه‌شان، سراغ حوزه‌های مختلف علوم بشری رفته‌اند و با مطالعات میان‌رشته‌ای از وجوه مؤثر آن دانش‌ها بر کار طراحی ساختمان بهره گرفته‌اند. ایشان در این فعالیت غالباً وجه اشتراک حوزه‌هایی چون فیزیک، شیمی، ریاضی، تاریخ، و روان‌شناسی را با عمل طراح و پرسش‌های او هنگام مواجهه با موضوع طراحی در نظر آورده‌اند. امروزه دانشورانی با اتکا به مفهوم اتمسفر، به‌مثابه مفهومی مشترک در دو حوزه ادبیات و معماری، به‌سراغ خوانش اتمسفر داستان‌ها رفته‌اند و از این طریق به ادبیات داستانی هم چون یکی از منابع معرفتی برای معماران نظر کرده‌اند. در این مقاله، با توجه به آثار این متفکران و استخراج مفاهیم کلیدی برای خوانش اتمسفر فضا، نحوه بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان معرفی می‌شود. این معرفی دو گام اساسی را شامل می‌شود: اول با استفاده از میانجی‌های مولد اتمسفر، مواردی از بازنمایی اتمسفر فضا در داستان یادشده شناسایی می‌شود. در گام بعدی این موارد در شش نحوه ظهور در این داستان، به‌قصد برپا کردن اتمسفری تخیلی - جادویی خاص آن معرفی می‌شود.

۱. تجربه اتمسفر فضا

تجربه اتمسفر فضا به‌منزله وجهی از ادراک محیط، در سال‌های اخیر بسیار توجه محققان حوزه معماری و شهرسازی جلب کرده است. از این مفهوم برای شناخت نحوه تأثیر کلی فضا بر ذهن و تن آدمی و شیوه تغییر آن استفاده شده است. در این مطالعات تجربه اتمسفر فضا یک موضوع مهم برای توصیف ویژگی‌های حسی و شهودی فضای زندگی فراتر از دستگاه فنی و رویکرد برنامه‌ای رایج طراحی در نظر است.^{۱۳}

داخل و خارج را در ایجاد آن موثر می‌داند؛^{۱۸} البته لازم به ذکر است که زومتور تأکید بیشتری نسبت بر اثر لحظه‌ای اتمسفر دارد، امری که با نظر به مسئله زمان، تاریخمندی، و کارکرد می‌توان برداشت دیگری از آن در آراء دیگر متفکران اتمسفر یافت.^{۱۹}

متفکر دیگری که در آثارش به تجربه اتمسفر فضا پرداخته آلبرتو پرس - گومس است. او در کتاب همسازی: معنای معماری پس از بحران علم مدرن^{۲۰} شرح می‌دهد که از اتمسفر به صورت محاوره‌ای برای نشان دادن کیفیت‌های ادراکی فضا استفاده می‌شود؛ به‌طور مثال، فضای شاد یک روز تابستانی آفتابی، یا فضای متشنج در یک دادگاه قبل از صدور حکم. همچنین متذکر می‌شود که واژه انگلیسی اتمسفر را می‌توانیم مترادف کلمه فرانسوی آمبیانس^{۲۱} به کار ببریم، و فضاهایی که در آن هستیم را با طیف وسیعی از صفات شاد تا ماخلوبایی، سبک تا ظالم توصیف کنیم. گومس به نقل از بومه، اتمسفر را پدیدار اولیه مابین^{۲۲} درون و بیرون آدمی توصیف می‌کند و شرح می‌دهد که بروز احساسات صرفاً از درون ما نیست، بلکه به‌منزله اتمسفرهایی از بیرون به تنمان عرضه و بنابراین به‌طور عاطفی درک می‌شوند.^{۲۳} به زعم گومس تأکید بر این نکته مهم است که باوجود اینکه اتمسفرها پدیده‌های فضایی هستند، اما همیشه تجربه آنها با زمانمندی و تاریخمندی وجود آدمی درآمیخته است. آنها هرگز بیرون زمان نیستند و در آمیختگی تام با آن قرار دارند و کلیتی زمانی - مکانی پدید می‌آورند.^{۲۴}

۲. بازنمایی اتمسفر فضا

مسئله اصلی در بازنمایی نوشتاری اتمسفر فضا این است که چطور چیزی را که ماهیتش در کلیت و یکپارچگی و در میانه بودنش است، جزء جزء نکنیم تا بشناسیم و برای شناختن آن اجزای تکه‌تکه را سرهم نکنیم. چگونه و با چه شیوه‌ای کلیت

گرنوت بومه اولین توضیح نظام‌مند در حوزه معماری از مفهوم اتمسفر را در کتاب معماری و اتمسفر^{۱۴} و مجموعه‌ای از پژوهش‌ها و مقالات دیگر بیان کرد. او به رابطه عاطفی فرد با ساختمان و محیط اشاره و بر حضور بدنمند سوژه به‌مثابه خاستگاه تجربه معماری تأکید می‌کند. بومه از این طریق با مفهوم کلاسیک فضای هندسی مقابله می‌کند.^{۱۵} در دیدگاه او تجربه فضای معماری اساساً اتمسفری مورد نظر است، حالت خاصی از ادراک محیط که با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فرد، وضعیت چندوجهی پویا و در حرکتی را پدید می‌آورد که هم فردی و هم اجتماعی است. با توضیح او ساختمان‌ها دیگر صرفاً موضوع ادراک بصری قلمداد نمی‌شوند، بلکه بیشتر به‌مثابه امکاناتی برای تعامل عاطفی حاضران با محیط توصیف می‌شوند. در نظر بومه اتمسفر چیزی مابین سوژه و ابژه و آشکارگی ویژه‌ای از حضور هم‌زمان این دو است و زیبایی‌شناسی آن هم مابین زیبایی‌شناسی دریافت و زیبایی‌شناسی محصول قرار دارد.^{۱۶}

به‌موازات بومه، از اوایل قرن ۲۱، معمار و نظریه‌پرداز سوئیسی، پتر زومتور^{۱۷}، حاصل تلاش‌های طراحانه خود در مورد نقش عواطف و احساسات در فضاهای مصنوع را عرضه کرد. به‌نظر او کار معمار عمیقاً با تجربه‌های فضایی قبلی مرتبط است و با فرایند تخیلی که از طریق آن ساختمان‌ها طراحی و ساخته می‌شوند، غنا می‌یابد. زومتور با دقت بسیار در ساخت کلیات و جزئیات آثارش، تجربه اتمسفری را پدید می‌آورد که با استفاده از نور، صدا، درخشش اشیای مادی، و برانگیختن عواطف پدید می‌آید. او طراحی معماری را شکلی از بازسازی عاطفی می‌داند که در آن احساس‌های حال و گذشته در فضایی که ساختمان‌ها ایجاد می‌کنند، حاضرند. زومتور بر رابطه بدن و محیط در تجربه اتمسفر فضا تأکید می‌کند و عواملی چون همسازی مواد، صدای فضا، دمای فضا، و کیفیت رابطه میان

14. Gernot Böhme, "Architektur und Atmosphäre". In *Architektur und Atmosphäre*. Brill Fink, 2019.

15. Federico De Matteis "Atmosphere in Architecture", *International Lexicon of Aesthetics*, (2020): 5.

۱۶. کریستین بورچ، یوهانی پالاسما و گرنوت بومه، اتمسفر معمارانه. ترجمه مرتضی نیک‌فطرت (تهران: فکر نو، ۱۳۹۶)، ۷۳.

17. Peter Zumthor

۱۸. پتر زومتور، اتمسفر. ترجمه علی اکبری (تهران: پرهام نقش، ۱۳۹۴).

۱۹. همان، ۲۵.

20. Alberto Pérez-Gómez *Attunement: Architectural Meaning after the Crisis of Modern Science* (MIT Press, 2016).

21. *ambiance*

22. *In between*

23. *Ibid*, 16.

24. *Ibid*, 18.

به روش‌های غنی‌تری نسبت به آنچه که معماران معمولاً به آن تمایل دارند، می‌گوید. به نظر او توصیف فضاها در آثار ادبی، چه در رمان و چه در شعر، اغلب اطلاعات زیادی از کیفیت تجربه افراد از محیط‌های طبیعی و مصنوع به دست می‌دهند. با وجود اینکه در معماری بسیار رایج است که غالباً وجه فرمی را در نظر آوریم یا آن را برجسته‌تر کنیم، در بسیاری از آثار ادبی ادراکات حسی دیگر از فضاها را با جزئیات و تمرکزی متفاوت توصیف می‌شوند و شامل جنبه‌های متنوعی از تجربه مکان‌ها هستند، که عمدتاً در گفتگوهای رایج معماری مغفول باقی می‌ماند. همچنین روایت‌های ادبی اغلب جنبه‌های اجتماعی فضا را نیز آشکار می‌کنند و از طریق آنها می‌توانیم نحوه استفاده از مکان‌ها را بهتر دریابیم. رمان‌ها را می‌توان طرح‌هایی از دنیای دیگری دانست که بین واقعیت و تخیل تعادل برقرار می‌کنند و امکان مشاهده همدلانه از دریچه چشم دیگری را برایمان می‌گشایند. به زعم هاویک، با مطالعه ابزارهایی که نویسندگان در ساخت تخیل فضایی خود به کار می‌برند، می‌توانیم راه‌های جدیدی برای شناخت معماری و شهر بیابیم.^{۲۷}

۳. مولد اتمسفر فضا

بازنمایی اتمسفر فضا با حضور ویژگی‌هایی در متن داستانی پدید می‌آید که آن ویژگی‌ها را، به تابعیت از بومه، «مولد اتمسفر»^{۲۸} می‌خوانیم و با بررسی چند نمونه از تحقیق‌های در این باره منظور از آن را روشن می‌کنیم. پژوهش‌های متعددی در زمینه رابطه ادبیات و معماری انجام شده است که در میان آنها خوانش‌های معمارانه مختلفی از داستان‌ها وجود دارد. آنجلیکی سیولی و یونچان یونگ نمونه‌هایی از این خوانش‌ها را در کتاب *خواندن معماری، تخیل ادبی و تجربه معمارانه*^{۲۹} گردآوری کرده‌اند. کتاب همراه راتلج در معماری، ادبیات و شهر^{۳۰} اثر دیگری شامل مجموعه‌ای از خوانش‌های

را تخیل و بازنمایی کنیم. در اتمسفر از اجزا حرف نمی‌زنیم که بتوانیم ارکان آن را برشماریم. لازم است ببینیم چطور یک امر تألیفی کلی را بدون قطعه‌قطعه کردن می‌شود تخیل کرد و از آن حرف زد و با کلمات ساخت و برپا کرد. ما در معماری نیازمند زبانی هستیم تا تجربه اتمسفر فضاها را از طریق آن بازنمایی کنیم و زبان روایت راهی به این هدف می‌گشاید. دیوید سیمون، متفکر پدیدارشناسی معماری، در مقاله «راه‌های فهم کلیت: مکان، کریستوفر الکساندر و رابطه هم‌افزایی»^{۲۵} دو شیوه ساخت کلیت را معرفی می‌کند که برای فهم چگونگی شناخت و بازنمایی اتمسفر فضا راهگشاست. او دو روش متضاد را توضیح می‌دهد که از طریق آنها می‌توان کلیت را درک کرد: آنچه او رابطه تحلیلی و رابطه هم‌افزایی می‌نامد، در حالت اول، کل‌ها مجموعه‌ای از عناصر و روابط به هم پیوسته تصور می‌شوند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های رابطه تحلیلی، نظریه سیستم‌های عمومی است. که از این نظر کل نگر است که کل‌ها مجموعه‌های منسجمی از عناصر و پیوندها تفسیر می‌شوند، اما تقلیل یافته و تکه‌تکه هستند؛ زیرا کل‌ها به بخش‌های دلخواه تقسیم می‌شوند. در این حالت، ارتباطات را عمدتاً محقق از پیش تعیین کرده است. در مقابل، رابطه تحلیلی، رابطه هم‌افزایی است. یک کل در رابطه هم‌افزایی به جای مجموعه‌ای از بخش‌های مجزا و گسترده، یک میدان یکپارچه و مولد درک و با تعلق ساختاری حفظ و نگهداری می‌شود. در این حالت کل و اجزا به صورت متقابل و ذاتی حضور دارند. ادبیات داستانی با ساخت کلیتی پیوسته و در رابطه هم‌افزایی، اتمسفر فضا را بازنمایی می‌کند.

متفکران اشاره‌های متعددی به رابطه درک اتمسفر فضا و ادبیات داستانی کرده‌اند؛ به طور مثال کلاسک هاویک در مقاله «داستان‌های تری، ابزارهای ادبی دستیابی به اتمسفر در آموزش معماری»^{۲۶} از امکانات ادبیات برای تجربه مکان‌ها

25. David Seamon, "Ways of Understanding Wholeness: Place, Christopher Alexander, and Synergistic Relationality", The 10th-annual conference on Christopher Alexander, Portland, Oregon, October 26, 2018.

26. Klaske Havik, "TerriStories. Literary Tools for Capturing Atmosphere in Architectural Pedagogy", *Ambiances. Environnement Sensible, Architecture et Espace Urbain*, 5 (2019).

27. Ibid, 4.

28. atmosphere generator

29. Angeliki Sioli and Yoonchun Jung, *Reading Architecture: Literary Imagination and Architectural Experience* (Routledge, 2018).

30. Jonathan Charley, *The Routledge Companion on Architecture, Literature and the City* (Routledge, 2019).

۱.۳. میان سوژه و ابژه

اولین این میانجی‌ها و یکی از پیش‌شرط‌های بازنمایی اتمسفر در متن ادبی، بیان هم‌زمان حالات و ویژگی‌های انفسی (سوژه) و ادراکات بیرونی محیط (ابژه) است. با ایجاد تعامل‌های مختلفی میان اینهاست که اتمسفری پدید می‌آید و از این‌رو این میانجی اول را می‌توان میانجی پایه و اساسی‌ای دانست که بقیه موارد همگی به‌نحوی با آن در ارتباطند. این تعامل میان سوژه و ابژه می‌تواند میان وجوه مختلف هریک از آنها برقرار شود؛ مثلاً میان عواطف و ادراک حسی محیط، یا میان خاطرات فردی و جمعی و شیوه استفاده از فضا، یا انتظارات و حالات بدن تحت تأثیر محیط. اما در هر حال بازنمایی اتمسفر فضا نیازمند مواجهه فیزیکی با یک مکان است و وجود سوژه‌ای بدنمند و ادراک‌کننده ضروری است. بررسی اتمسفر یک فضای خاص مستلزم صرف زمان برای شناسایی ادراک‌های حسی مختلف، پرسه زدن در اطراف، رابطه کارکردی با فضا، و مشاهده و توصیف دقیق جنبه‌های اتمسفری یک مکان و پاسخ‌های بدنی و شناختی افراد به آن است. برای بازتجربه اتمسفر از طریق یک متن نیز ما نه‌تنها باید به وضعیت مکانی و جزئیات مادی، بافت، و نور توجه کنیم، بلکه باید توجه داشته باشیم که چگونه این جنبه‌ها بر ادراک‌ها و تداعی‌های ما حین استفاده از ساختمان اثر می‌گذارد. از این‌رو اولین میانجی ادبی که می‌تواند مولدی برای بازنمایی اتمسفر فضا باشد، توصیف رابطه پیوسته سوژه و ابژه در متن است.^{۳۳}

۲.۳. میان فردی و جمعی

هریک از ما اتمسفرها را به‌صورت جداگانه‌ای درک می‌کنیم؛ زیرا چنان‌که گفتیم درک اتمسفر مستلزم حضور فیزیکی سوژه بدنمند و ادراک‌کننده در فضا است. بنابراین توصیف اتمسفر همواره از زاویه سوژه درک‌کننده است. اما افراد دیگر هم می‌توانند فضاها

معمارانه از آثار ادبی است که تعدادی از مقالات در آن مستقیماً به خواندن اتمسفر فضا در داستان‌ها اختصاص دارند. در اینجا به شرح مقاله‌ای از این کتاب که به قصد ما برای فهم منظور از مولد اتمسفر نزدیک‌تر است، می‌پردازیم و از ویژگی‌هایی که در آن برای شناسایی اتمسفر فضا در داستان‌ها آمده است، برای خواندن نحوه بازنمایی اتمسفر فضای داستان هری پاتر و زندانی آزکابان کمک می‌گیریم.

مقاله «نوشتن اتمسفر: روش‌های ادبی برای کشف میانجی تجربه معماری»^{۳۴} از کلاسک هاویک در کتاب همراه راتلج در معماری، ادبیات و شهر است. او در این مقاله می‌پرسد که مردم چگونه شهر را ادراک می‌کنند و به یاد می‌آورند؟ مکان‌هایی که در آنها زندگی می‌کنند، بازدید می‌کنند، یا آرزوی آنها را دارند چگونه در ذهنشان باقی می‌ماند؟ و چگونه می‌توان چنین تجربیاتی را از نظر ویژگی‌های اتمسفری آنها مانند رنگ، نور، و مصالح بررسی کرد؟ او در مقاله‌اش شرح می‌دهد که چرا ما باید راه متفاوت و تازه‌ای برای صحبت، توصیف، و برنامه‌ریزی کردن شهرهایمان بیابیم که آنها را مکانی برای بدن (و روحمان) بدانیم؛ راهی که در آن محیط شهری در جنبه‌های مختلف آن چون صدا، بو، لامسه، بینایی، آب‌وهوا، و با روابط عاطفی‌ای که مردم با مکان‌ها برقرار می‌کنند، حاضر است. او برای دستیابی به چنین فهمی پنج میانجی را معرفی می‌کند که در یک داستان یا شعر می‌تواند حاضر باشد و شیوه‌های ادبی‌ای را بسازد که راهی مناسب برای فهم اتمسفر فضای آن داستان است. این پنج شیوه ادبی که کلاسک هاویک به‌واسطه کیفیت در میانه اتمسفر با نام آستانه^{۳۵} از آنها یاد می‌کند، عامل پدید آمدن بازنمایی اتمسفر فضا در یک متن یا به عبارت دیگر مولد اتمسفر هستند که در این پژوهش برای رساندن معنای نزدیک‌تر به کیفیت در میانه اتمسفر در زبان فارسی از واژه میانجی استفاده می‌کنیم.

31. Klaskie Havik, "Writing atmospheres: Literary Methods to Investigate the Thresholds of Architectural Experience", In *The Routledge Companion on Architecture, Literature and the City*, Routledge, 2018, 270-282.

32. threshold

33. Ibid, 272.

مولد، توازنی میان سادگی آگاهانه و تخصص معماری برقرار خواهد شد؛ مثلاً هنگامی که در توصیفی ساده ظرفیتی برای پیشبرد تکنولوژی معماری می‌یابیم، از این مولد بهره می‌بریم.^{۳۸}

۳.۴. میان اجزا و کل

وقتی قصد توصیف کیفی و یکپارچه تجربیاتمان در یک فضا را داریم، می‌توانیم با آگاهی از تأثیر کلی عوامل، مجموعه‌ای از عوامل حسی مختلف که تجربه ما از محیط را می‌سازند هم بشناسیم و بر یک یا چند عامل تمرکز بیشتری کنیم؛ درحالی‌که شاید کلیت یک اتمسفر را بتوان با یک استعاره یا عبارات شاعرانه توصیف کرد (هرچند این کار هم باعث تقلیل و مغفول ماندن جنبه‌های دیگر و گاه متضاد آن اتمسفر می‌شود). اجزای تشکیل‌دهنده آن مانند ساخت‌مایه‌ها، بافت، صدا، ساختار، دما، ریتم، نور و سایه، و حواس مختلف آن هم نیاز به توجه دقیق و جداگانه دارند.

کلاسک هاویک برای شرح این مورد نمونه‌ای از ادبیات داستانی می‌آورد. در آثار ایتالو کالوینو^{۳۹} نمونه‌هایی از توصیفات متمرکز بر یک جنبه خاص اتمسفر یافت می‌شود. در شهرهای نامرئی که شامل ۵۲ داستان کوتاه است، هر کدام از داستان‌ها یک وجه از شهر را برجسته می‌کند، اما وقتی با هم خوانده می‌شود، کل کتاب شهر را، با همه پیچیدگی، لایه‌لایه آن توصیف می‌کند.^{۴۰} این ایده جداسازی جنبه‌های خاص برای توصیف اتمسفرها با جزئیات کامل، یا در مورد شهرهای نامرئی، حتی برای اغراق در یکی از خصوصیات آنها، ابزار مفید و مولد دیگری در بررسی اتمسفرهاست؛ به‌طور مثال، اگر خود را مجبور کنیم که در هنگام توصیف یک تجربه اتمسفری منحصراً روی صداها تمرکز کنیم، تأثیر آنها را با دقت بیشتری متوجه خواهیم شد و چنین بازنمایی‌هایی در یک متن هم گاه به نحوی متفاوت، اتمسفر را در تخیل خواننده برپا می‌کنند.^{۴۱}

را درک کنند. افراد مختلف بسته به رابطه خود با مکان، پیشینه خودشان، خاطرات، و حالاتشان واکنش‌های متفاوتی خواهند داشت. به‌خاطر ارتباط پیوسته ما با دیگران و جهان ادراکی آنها، درک ما از یک اتمسفر خاص نیز هم‌زمان در ارتباط با درک دیگران از آن است؛ البته در تجربه‌های رایج زندگی روزمره تا حد زیادی می‌توانیم در مورد اتمسفر یک جا با دیگران مرتبط شویم و کم‌وبیش در مورد فضای درک‌شده از یک مکان یا مناسبت خاص آن توافق کنیم. از این‌رو گویا اتمسفر بخشی از چیزی است که با حس مشترک^{۳۴} فهمیده می‌شود؛ یعنی آگاهی از تجربه‌ای که در یک جامعه بزرگ‌تر جا گرفته و قابل اشتراک‌گذاری و مفاهمه است. با عنوان مولد دوم، بازنمایی اتمسفر فضا در یک داستان، می‌توان کیفیت تجربه محیط از دید افراد مختلف را بررسی و زمینه‌های اشتراک یا افتراق آنها را مطالعه کرد.^{۳۵}

۳.۳. میان سادگی و تخصص

شناخت ویژگی‌های اتمسفری یک متن نیازمند ذهنیتی پذیرا و باز در محقق است؛ چراکه او باید پیش‌فرض‌ها را کنار بگذارد و به خود اجازه دهد درکی تازه و عمیق از ادراکات مختلف محیط داشته باشد. در این شیوه مواجهه شکل خاصی از سادگی و تجاهل ضروری است؛ ما باید بتوانیم چیزها را از نو تجربه کنیم. همان‌طور که باشلار^{۳۶} می‌گوید ما دانستن را نیاز داریم فراموش کنیم، نه به معنای تحت‌اللفظی، بلکه به‌منزله «تعالی دشوار دانش»؛^{۳۷} البته یک معمار (یا محقق در زمینه معماری) نمی‌تواند فقط به توانایی خودش تکیه کند و تنها زمانی که مشاهدات خالص و ساده‌شده‌اش با تخصص او به پرورده شوند می‌تواند درک قوام‌یافته‌ای از اتمسفر حاصل کند. اینجاست که مولد سوم مطالعه اتمسفر یعنی اجازه دادن به لحظه‌های مشاهده عمیق و بررسی کردن این مشاهده‌ها، در نسبت با دانش حرفه‌ای مطرح می‌شود. هنگام بررسی متن از زاویه این

34. common sense

35. Ibid, 273.

36. Gaston Bachelard

37. "difficult transcendence of knowledge"

38. Ibid, 275.

39. Italo Calvino

۴۰. ایتالو کالوینو، شهرهای نامرئی، ترجمه ترانه یلدا (تهران: باغ نو، ۱۳۸۱).

41. Ibid, 277.

۳. ۵. میان اینجا و آنجا، اکنون و آن زمان

در حالی که اتمسفرها بسته به حضور فیزیکی سوژه در یک مکان خاص، در بی‌واسطگی تجربه می‌شوند و ما می‌توانیم بلافاصله وجهی از یک اتمسفر را در اولین برخورد با مکان درک کنیم، اتمسفرها فراتر از اینجا و اکنون می‌روند. رویدادها و عملکردها این ظرفیت را دارند که کیفیت تجربه یک مکان را به‌طور چشمگیری تغییر دهند؛ مثلاً تجربه حضور در آثار تاریخی نه تنها به دلیل ابعاد و ویژگی‌های فیزیکی محض خود، بلکه به دلیل حسی مرتبط با خاطره و تاریخ، بازدیدکنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اتمسفرهای فضایی بسته به ارتباطشان با خاطرات و خیالات ادراک‌کننده آن، در زمان و مکان بسط می‌یابند و توجه به این توسع زمانی - مکانی مولد دیگری است که در یافتن بازنمایی اتمسفر فضا در یک داستان می‌توان به آن توجه داشت.^{۴۲}

به زعم هاویک با نظر به آستانه‌های بین سوژه و ابژه، بین اینجا و آنجا، اکنون و آن زمان، بین سادگی و تخصص، بین اجزا و کل، و بین فردی و جمعی در یک قطعه داستانی یا شعر، مجموعه‌ای از میانجی‌ها یا آستانه‌های ادبی پدیدار می‌شود که می‌تواند به یافتن اتمسفرهای فضایی کمک کند. از این‌روست که کلاسک هاویک علاوه بر اینکه کاری مشابه تحقیق حاضر انجام می‌دهد و بازنمایی اتمسفر فضا در یک متن ادبی را بررسی می‌کند، با معرفی مولدهای اتمسفر چارچوب نظری‌ای هم برای ما فراهم می‌آورد تا بتوانیم در یافتن انحای ظهور بازنمایی اتمسفر فضا در داستانی دیگر نیز از آن بهره ببریم.

۴. بررسی نمونه موردی: هری پاتر و زندانی آزکابان

در این بخش با راهبرد توصیف و تحلیل، انحای مختلف بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان

در نسبت با مولدهای اتمسفر بررسی می‌شود. حضور مکان‌ها در متن و رابطه فعالشان با شخصیت‌ها قدم اول این شناسایی است که هاویک آن را با عنوان اولین میانجی برای مطالعه اتمسفر معرفی کرده است. به این منظور بخش‌هایی از کتاب هری پاتر و زندانی آزکابان که در آن سوژه انسانی و ابژه مکانی به صورت هم‌زمان حاضرند، انتخاب می‌شود. سپس در دسته‌بندی‌ای دیگر به تحلیل چگونگی این رابطه و شیوه بروز آن در داستان می‌پردازیم. برای این کار با بهره‌گیری از مولدهای دیگر اتمسفر، نسبت این مولد اولیه با مولدهای دیگر را شرح می‌دهیم و از این طریق نمونه‌هایی از بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان را معرفی می‌کنیم. بازنمایی اتمسفر فضا در این داستان به شش نحو شامل آشنایی‌زدایی از مکان، تأثیر محیط بر احوال درونی، استفاده جمعی از فضاها، تقویم نقشه موقعیت بر آگاهی خواننده، گمانه‌زنی تکنولوژیک، و اعجاز اتمسفریک ساخته می‌شود و نویسنده از طریق آنها اتمسفر کلی تخیلی - جادویی داستان هری پاتر و زندانی آزکابان را پدید می‌آورد.

در بسیاری از آثار ادبی اتمسفرهای آشنایی معرفی می‌گردند و با ذکر نام یا توصیف تجربه‌های قبلی بیان می‌شوند؛ مثلاً وقتی در یک رمان جنایی می‌خوانیم: «هولمز وارد ایستگاه مترو شد»، تقریباً می‌دانیم که ایستگاه مترو چه‌جور جایی است. اما نویسنده داستانی تخیلی - جادویی با وظیفه متفاوتی روبه‌روست. او باید فضایی جدید و ناآشنا خلق و موقعیت‌های ناآشنا ایجاد کند. کار او آشنایی‌زدایی و تخیل فضای متفاوت و ادراک‌های متفاوت است. برای این منظور، از امکانات زبان استفاده می‌کند. پرسش اصلی این است که نویسنده یک رمان تخیلی - جادویی، برای ایجاد یک اتمسفر متفاوت و ناآشنا چگونه عمل می‌کند و برای انتقال یا دعوت خواننده به تجربه این اتمسفر ناآشنا چه ابزارهایی دارد؟ در تخیل فضای بدیع و

ایجاد تفاوت، نویسنده داستان تخیلی - جادویی ناگزیر باید همه ویژگی‌ها و لایه‌های متعدد اتمسفر فضا را بشناسد و از امکانات بیشتری از زبان برای ایجاد تفاوت و دعوت مخاطب به تجربه آن استفاده کند. ایجاد اتمسفر ناآشنا و ضمناً کشاندن خواننده برای تجربه آن، مسئله‌ای اساسی در رمان تخیلی - جادویی است. به این خاطر است که بازخوانی داستان هری پاتر و زندانی آزکابان از این زاویه به ما کمک می‌کند اتمسفر فضا را عمیق‌تر بفهمیم و اتمسفر فضا را نه صرفاً در مقام توصیف، بلکه در مقام تخیل و ایجاد و ابداع مورد پرسش قرار دهیم.

داستان هری پاتر و زندانی آزکابان جلد سوم از مجموعهٔ پر فروش و مورد استقبال هری پاتر نوشتهٔ نویسندهٔ بریتانیایی جی.کی. رولینگ^{۴۳} است. علت انتخاب این کتاب پیش از هر چیز توجه ویژه به نقش اتمسفر فضا در سیر روایت آن است؛ کتابی که شرح ماجراهای سالانهٔ قهرمان آن یعنی هری و دوستان او در مدرسهٔ جادوگری هاگوارتز است. جلد سوم ماجرای فرار سیریوس بلک، زندانی قدیمی زندان آزکابان، و رویارویی او با هری و نگهبانان زندان یا دیوانه‌سازهاست که علاوه بر خیالات مرتبط با پرسش‌های معمارانه‌ای چون خلق فضاهای جادویی و کیمیاگری و تغییر شکل و ماهیت مواد، توصیف‌های پر جزئیات متعددی از مکان‌ها دارد که باعث شده این جلد برای مطالعهٔ اتمسفر فضا انتخاب شود.

در ابتدای این جلد از خروج پرحادثهٔ هری از خانهٔ دورسلی‌ها - خاله و شوهرخاله‌اش - می‌خوانیم. جایی که او تابستان‌ها را در آن می‌گذراند. حضور عمه مارج، خواهر شوهرخاله‌اش، یعنی آقای ورنون، و نیش و کنایه‌های او به هری باعث خشمگین شدن هری و باد شدن اتفاقی عمه مارج می‌شود. هری که جادوگری زیر سن قانونی است، حق استفاده از جادو در خارج از مدرسه را ندارد و به همین خاطر تصمیم به فرار از خانهٔ دورسلی‌ها می‌گیرد. او در تاریکی شب آوارهٔ خیابان می‌شود و

در همین زمان ناگهان و برای چند لحظه با سگی سیاه و بزرگ مواجه می‌شود. سگی که ابتدا هری فکر می‌کند دیدنش نشانه و پیش‌آگهی خطری برای اوست، اما در ادامهٔ داستان متوجه می‌شود که این‌طور نیست و آن سگ همان سیریوس بلک، زندانی فراری زندان آزکابان، است که می‌تواند خود را به حیوان تبدیل کند. هری از این موقعیت با اتوبوس شوالیه که مخصوص جادوگران در راه مانده است، نجات می‌یابد و به کوچهٔ جادوگری دیاگون می‌رود. آنجا او مدتی در یک مهمان‌سرا می‌ماند و با دوستانش، رون ویزلی و خانواده‌اش و هرمیون گرنجر و البته وزیر سحر و جادو، دیدار می‌کند. در همان مهمان‌سراست که شبی از میان صحبت‌های آقای ویزلی و همسرش متوجه می‌شود که سیریوس بلک به دنبال قتل اوست. موقع رفتن به هاگوارتز از مهمان‌سرا و با ماشین‌هایی که وزارت سحر و جادو برای محافظت از هری فرستاده، به ایستگاه راه‌آهن می‌رود. بعد از سوار شدن به قطار سریع‌السیر هاگوارتز، قطار در میانهٔ راه متوقف می‌شود و اینجا اولین مواجههٔ هری با دیوانه‌سازها رخ می‌دهد. نگهبانان مخوف زندان آزکابان همهٔ شادی و نشاط فضای اطراف خود را می‌بلعند و هری ضعف زیادی در مقابلشان دارد و در این اولین دیدار از حال می‌رود. خوشبختانه پروفیسور لوپین، استاد جدید درس دفاع در برابر جادوی سیاه، در کوچهٔ هری و دوستانش است و دیوانه‌ساز را با وردی دور می‌کند. وردی که سپر محافظی در مقابل دیوانه‌سازهاست و هری در طول ترم تحصیلی از لوپین نحوهٔ اجرای آن را یاد می‌گیرد و تمرین می‌کند. در طول دو ترم تحصیلی هری و دوستانش به کلاس‌های مختلفی مثل پیشگویی، تغییر شکل، مراقبت از حیوانات جادویی، و معجون‌سازی می‌روند و ماجراهایی را از سر می‌گذرانند. مسابقات ورزش محبوب جادوگران یعنی کوئیدیچ برگزار می‌شود و هری که جستجوگر گروهشان یعنی گریفیندور است، در آن می‌درخشد اما مهم‌ترین موضوع ورود

قابل توجه است که هریک به شکلی دیگر اتمسفر فضا را بازنمایی می کنند. با بررسی این توصیف ها در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان شش نحو متفاوت بازنمایی اتمسفر فضا در این داستان شناسایی شد در این نحو ها غالباً تنها به توصیف محیط بیرونی بسنده نمی شود و با ایجاد پیوند میان حالات درونی افراد و محیطشان، فاصله سوژه و ابژه کمرنگ و تخیلی از تجربه اتمسفر فضا را بازنمایی می گردد. این شش نحو با بهره از یک یا چند میانجی مولد اتمسفر، هریک به شیوه ای متفاوت خواننده را در باز تجربه اتمسفر فضای داستان یاری می کنند. در این مقاله در شش بخش به این نحو ها پرداخته می شود. در هر کدام از بخش ها نمونه هایی از بازنمایی اتمسفر در متن را در ارجاعات مقاله می آوریم و رابطه آن شیوه بازنمایی با میانجی های مولد اتمسفر و اتمسفر خاص این داستان را توضیح می دهیم.

۴.۱. آشنایی زدایی از مکان

یکی از انحای بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان آشنایی زدایی از مکان است. نمونه های بسیاری از توصیف اتمسفر در این داستان وجود دارد که مضمون کلی آن آشنایی زدایی نسبت شخصیت و محیطش است. با نحو آشنایی توجه خواننده به رابطه ناآشنای خواست درونی شخصیت و فضای ادراکی او جلب می شود و به این ترتیب تخیل فعال نقش بیشتری در ایجاد پیوند میان درون و بیرون بازی می کند. در این آشنایی زدایی ها انواعی از میانجی های مولد اتمسفر را می توان تشخیص داد؛ مثلاً داستان با آشنایی زدایی از موقعیت هری در خانه دورسلی ها، جایی که او تابستان ها را با خاله و شوهر خاله اش می گذراند، شروع می شود. آشنایی زدایی ای که در همان جملات ابتدایی به خواننده می گوید با داستانی متفاوت مواجه است. نویسنده در اولین پاراگراف های کتاب از

سیریوس بلک به قلعه و حضور دیوانه سازها یعنی محافظان در دروازه ها و گاهی در محیط مدرسه است. موضوعاتی که چالش هایی را در ادامه برای هری و دوستانش پدید می آورد و باعث می شود تصمیم بگیرند خودشان به دنبال دستگیری سیریوس بلک بروند. در انتها و با طی کردن مسیری پرمخاطره مشخص می شود که سیریوس بلک به دنبال کشتن هری نبوده و می خواسته از جادوگری حیوان نما به اسم پیتر پتی گرو انتقام بگیرد که سال هاست موش دوست صمیمی هری یعنی رون ویزلی است. در فصل های پایانی مشخص می شود پتی گرو کسی بوده که به پدر و مادر هری خیانت کرده و باعث قتل آنان توسط ولدمورت شده است، نه سیریوس بلک. هری و هرمیون در آخر با دانستن این حقیقت به کمک زمان برگردان، وسیله خاص هرمیون که با آن می توانسته در یک زمان در چند مکان باشد، سیریوس بلک را نجات می دهند.

این کتاب داستانی مملو از عناصر فضایی، محیط های مصنوع واقعی و خیالی، و اتمسفر های متنوع است. از طریق شناخت نحوه بازنمایی اتمسفر در این داستان می توانیم فهم بهتری از چگونگی برپایی اتمسفر در تخیل انسانی و راه های مختلف آن به دست آوریم. از این رو در قدم بعدی به کمک میانجی های مولد اتمسفر به شناسایی مواردی از بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان و معرفی انحای ظهور آن می پردازیم تا دریابیم نویسنده چگونه اتمسفر خاص تخیلی - جادویی این داستان را برپا کرده است. لازم به توجه است که گاهی یک شیوه بازنمایی با بهره گیری از ترکیب چند میانجی مختلف پدید می آید. کتاب یاد شده را بر از توصیف هایی می بینیم که یا مستقیماً یک مکان را بازنمایی می کنند و یا متمرکز بر عنصری مکانی هستند. علاوه بر این، میانجی های دیگر مولد اتمسفر چون ادراک جمعی یک فضا یا حرکت تخیل خواننده به گذشته و آینده هم در این موارد

۴۴. هری پاتر از بسیاری از جهات پسر عجیبی بود. از یک سو، از تعطیلات تابستان بیشتر از هر وقت دیگر سال متنفر بود. از سوی دیگر، واقعاً دوست داشت تکالیف مدرسه‌اش را انجام دهد، اما ناچار بود به‌طور مخفیانه در نیمه‌های شب به این کار بپردازد آخر می‌دانید او جادوگر بود. چیزی به نیمه‌شب نمانده بود و او در تخت‌خوابش دمر دراز کشیده بود. پتوها را مانند یک چادر درست بالای سرش آویخته بود و چراغ قوه‌ای در دست داشت. کتاب قطوری با جلد چرمی (تاریخچه جادوگری اثر آدلبرت وفلینگ) با صفحات باز به بالش تکیه داشت (جی.کی رولینگ، هری پاتر و زندانی آزکابان (تهران: تندیس، ۱۳۷۹)، ۱).

۴۵. اتوبوس صندلی نداشت. در عوض شش تخت‌خواب برنزی در کنار پنجره‌هایی با پرده‌های کشیده قرار داشت و بر روی تاقچه کنار هر تخت‌خواب شمع روشن بود و دیوار چوب‌نمای مجاورش را روشن می‌کرد (همان، ۴۶).

۴۶. در تمام عمرش کلاسی عجیب‌تر از این کلاس ندیده بود. درواقع اصلاً شباهتی به کلاس درس نداشت. آمیزه‌ای بود از یک اتاق زیر شیروانی و یک قهوه‌خانه قدیمی. دست‌کم بیست میز گرد کوچک را درون آن جا داده بودند و دور همه‌ی آنها صندلی راحتی ارزان‌قیمت و کوسن‌های پف‌دار چیده بودند. نور قرمز کم‌سویی اتاق را روشن می‌کرد. تمام پرده‌ها را کشیده

عجیب بودن هری پاتر می‌گوید و علاقه او به نوشتن تکالیف مدرسه‌اش در خانه را شاهد این رفتار عجیب می‌داند. در اولین موقعیت هری که ناچار است به‌طور مخفیانه تکالیفش را انجام دهد، زیر پتوها چادری که برای پنهان شدن ساخته، با چراغ‌قوه‌ای مشغول خواندن کتاب تاریخچه جادوگری است. در همین اولین پاراگراف عجیب بودن هری با یک موقعیت نامتعارف مکانی برای یک دانش‌آموز مدرسه‌ای همراه شده و اتمسفری خاص و تازه برای یک اتاق خواب پدید آورده است. اتاق خوابی که کارکردن و مطالعه در آن غالباً تشویق والدین را باید در پی داشته باشد، برای هری جایی است که باید در آن پنهان شود و تکالیفش را انجام دهد.^{۴۴}

این آشنایی‌زدایی‌ها از مکان در بخش‌های دیگری از داستان هم تکرار می‌شود و برای خلق فضای جادویی و پررمزوراز قصه، مکان‌هایی غیررایج برای یک خواست درونی یا فعالیت توصیف می‌شوند؛ مانند مبلمان متفاوت اتوبوس شوالیه که بعد از باد کردن اتفاقی عمه مارج و آوارگی هری در خیابان به کمک او می‌آید. اتوبوس شوالیه مخصوص جادوگران بی‌پناه و در راه مانده است که یکی دیگر از نمونه‌های آشنایی‌زدایی از مکان در این داستان است. اتوبوسی که با سرعت بسیار زیاد جادوگران را به هر مقصدی که بخواهند می‌رساند و نحوه حرکتش در شهر و خیابان‌ها خود آشنایی‌زدایی دیگری از تجربه شهر است، اما آشنایی‌زدایی نزدیک‌تر به معماری، مبلمان داخل اتوبوس شوالیه است که به جای صندلی، تخت‌خواب‌هایی برنزی را در کنار پنجره‌هایش جا داده است. این اتوبوس عجیب حاصل جمع دو اتمسفر آشنای اتوبوس و مسافرخانه است و نویسنده با ترکیب این دو اتمسفری هم‌زمان آشنا و غریب به‌وجود آورده است.^{۴۵}

نمونه دیگری از آشنایی‌زدایی از مکان در هری پاتر و زندانی آزکابان اولین مواجهه دانش‌آموزان با کلاس پیشگویی

است که در آنجا استاد کلاس مرگ هری را پیش‌بینی می‌کند و ربع و وحشت زیادی میان دانش‌آموزان پدید می‌آورد. در متن وصفی دقیق از این کلاس خاص و البته نامتداول آمده است که اتمسفری ویژه و متفاوت دارد. کلاس شبیه به یک قهوه‌خانه در اتفاقی زیر شیروانی است و طاقچه‌های خاک‌گرفته‌اش شلوغ و مملو از عناصر عجیب و غریبی چون ورق‌های بازی و قوری‌های چای‌خوری است که نشان از فعالیت‌های جادویی و عجیب دارد. در این معرفی نویسنده از طریق ایجاد شباهت با فضاهای آشنا، به‌سادگی و با کوتاه‌ترین راه و بدون توصیف‌های مفصل، اتمسفر خاص فضا را برای خواننده بازنمایی می‌کند و هم‌زمان در ترکیب دو فضای آشنا ولی نامتجانس، این ناآشنایی را تقویت می‌کند. در دعوت به تخیل شباهت با «اتاق زیرشیروانی»، ویژگی‌های اتاق زیرشیروانی در ذهن خواننده می‌آید: کوچک، تنگ، کوتاه، مرموز، و در آخر مسیر و دورافتاده، شأن کمتر نسبت به بقیه فضاها و البته ویژگی‌هایی که می‌تواند با قهوه‌خانه ترکیب شود، جایی با صفاتی چون قدمت، کهنگی، بخارآلود، با وسایل کهنه، مصالح درودیوار کهنه، با تابلوهایی روی دیوار، احتمالاً صدای جیرجیر صندلی‌ها و درها، احتمالاً صدای گفتگوی افرادی که سن‌وسالی دارند و برای یله شدن در جایی به قهوه‌خانه می‌آیند.^{۴۶} وصف هریک از این مکان‌های غیرمعمول در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان به‌طریقی بر غیرمعمول بودن اتمسفر فضایی در داستان تأکید می‌کند و با ایجاد فاصله میان انتظار و ادراک، خواننده را به تخیل اتمسفری نو دعوت می‌کند.

۲.۴. تأثیر محیط بر احوال شخصیت

در بیشتر توصیف‌های داستان هری پاتر و زندانی آزکابان از مکان‌ها، شخصیت‌ها ناظر صرف نیستند و نحوه استفاده فردی یا جمعی‌شان از آن فضا و تأثیر ویژگی‌های محیط بر عواطف

بودند و روی بسیاری از چراغ‌ها را با پارچه‌های قرمز رنگ پوشانده بودند. گرمای اتاق خفه‌کننده بود. تاقچه‌های بالای بخاری دیواری نامرتب و شلوغ بود. از کتری مسی بزرگی که روی آتش بخاری دیواری می‌جوشید بخار غلیظ و نامطبوعی بیرون می‌آمد. قفسه‌های دورتادور دیوار مدور از اشیای گوناگون لبریز بود. مقدار زیادی پر خاک گرفته، شمع‌های نیم‌سوخته، دسته‌های ورق کهنه و پاره، تعداد بی‌شماری گوی بلورین و تعداد بسیار زیادی فنجان در قفسه‌ها به چشم می‌خورد (همان، ۱۲۱).

۴۷. رون و هرمیون با هم دستشان را روی سر هری گذاشتند و او را وادار کردند از صندلی‌اش پایین برود و به زیر میز بختد. هری قطره‌ای از نوشیدنی از چانه‌اش می‌چکید، همان‌طور دولا جامش را محکم نگه داشته بود و به پاهای فاج و استاد‌های مدرسه نگاه می‌کرد که ابتدا جلو پیشخوان توقف کردند، سپس به طرف آنها آمدند (همان، ۳۳۵).

۴۸. هری، هرمیون، و رون که به نفس‌نفس افتاده بودند، از پلکان مارپیچی تنگ بالا رفتند. هرچه بالاتر می‌رفتند سرشان بیشتر گیج می‌فت تا اینکه سرانجام صدای همه‌می مهمی را بالای سرشان شنیدند و فهمیدند به کلاسشان رسیده‌اند (همان، ۱۲۰).

۴۹. پیش از آن هری یک بار به این دفتر قدم گذاشته بود و آن روز نیز گرفتار دردرس شده بود. این بار تعداد شیشه‌های حاوی مواد لزج بیشتر شده

داستان و فضا را تعریف می‌کند. در این داستان مانند تجربه واقعی حواس، تخیل ما همگی نقش بازی می‌کنند و در استفاده از فضاها گاه با حواسی غیر از حس بینایی موقعیتی را ادراک می‌کنیم؛ مانند وقتی که هری در فضایی کاملاً تاریک در مهمان‌سرا درکی تازه از موقعیت خود می‌یابد و برای اولین بار متوجه می‌شود سیریوس بلک به‌دنبال کشتن اوست؛ نویسنده با ساخت فضایی تاریک بر ابهام و سردرگمی هری در این موقعیت تأکید می‌کند.^{۵۰}

۳.۴. استفاده جمعی از فضاها

برخی دیگر از نمونه‌های بازنمایی اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان، با تمرکز بیشتر بر میانجی دوم، یعنی میان فردی و جمعی، داستان به ادراک جمعی فضاها و تأثیر آنها بر اتمسفر ادراک‌شده از سوی جمعی از شخصیت‌ها اختصاص دارد. ما از بسیاری فضاها به‌صورت جمعی استفاده می‌کنیم و تجربه فردی‌مان از اتمسفر آن فضا گاهی با حضور در میان جمعیت در آن فضا متفاوت است. در این حالت اتمسفر فضا نه در ارتباط با یک سوژه منفرد که در میانه درک سوژه‌های متعدد نمایان می‌شود. توصیف حضور جمعی دانش‌آموزان در اتاق نشیمن گروه گریفیندور، جشن‌ها و مراسم مختلفی چون جشن شروع سال تحصیلی یا مراسم هالوین در فضاها عمومی و سرسرای بزرگ، یا برگزاری مسابقه در زمین بازی کوئیدیچ و حضور تعداد زیادی از تماشاچیان در ورزشگاه و مهمانی‌های بعد بازی در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان خواننده را متوجه این شکل از تجربه اتمسفر فضا می‌کند.^{۵۱} در این حالت استفاده جمعی از فضاها وجه اجتماعی تجربه مکان روشن‌تر بیان می‌شود و گاهی از این طریق اتمسفرهای باشکوه و پرابهتی در داستان بازنمایی می‌شود.

و حالات درونی ایشان هم ذکر می‌شود. به این‌نحو نویسنده رابطه‌ای فعال میان درونیات، بدن، و مکان برقرار می‌کند. در بخش‌های مختلفی این رابطه متفاوت با مکان در دو لایه فردی و جمعی دیده می‌شود. در این توصیف‌ها کیفیات مختلف فضایی تأثیر متفاوتی بر احوال بهره‌بردار آن دارند؛ چراکه استفاده کردن از فضاها بیشتر از صرف تماشا کردن و مشاهده‌گر بودن است و رابطه‌ای میان حالات بدنی و روحی روانی بهره‌بردار با موقعیت طراحی‌شده ایجاد می‌کند. وصف این موقعیت‌ها یادآوری رابطه چندبعدی تنانه و روحی روانی افراد و فضاها می‌شود و در ارتباط با میانجی اول و سوم معرفی شده است؛ مثل وقتی که هری و دوستانش در کافه‌ای در دهکده هاگزמיד نشست‌اند و ناگهان چند نفر وارد می‌شوند که نباید هری را در آن موقعیت ببینند و او مجبور می‌شود به زیر میز برود؛ امری ممکن در رویداد حضور در یک کافه که کمتر طراحان از دریچه آن به طرحشان می‌نگرند. هری با استفاده خاص از زیر میز، درکی تازه از موقعیت خود به‌دست می‌آورد و اتمسفری دیگر از فضای کافه را تجربه می‌کند.^{۴۷} همچنین در بخش‌هایی از داستان، با توجه به تأثیر استفاده از یک فضا، نقش عناصر مختلف معماری در ایجاد یک حالت درونی بهتر درک می‌شود؛ مانند وضعیت سرگیجه و نفس‌نفس زدن هنگام بالا رفتن از یک پلکان دوار طولانی برای رسیدن به کلاس پیشگویی.^{۴۸} در وصف دقیق رولینگ از فضاها می‌توان دید، نقش اشیا و عناصر موجود در فضا در ایجاد یک حس خاص هم نادیده گرفته نمی‌شود؛ مثل توصیف او از دفتر شخصی معلم منفور و آزارنده معجون‌سازی یعنی سوروس اسنیپ که اتاقی پر از شیشه‌های حاوی مواد لزج دارد و انعکاس شعله‌های آتش بر این شیشه‌ها بر رعب و وحشت فضای اتاقش اضافه می‌کند.^{۴۹}

در این کتاب گاهی این ادراک‌های خیالی نه با وصف تصاویر که با بازیگری دیگر حواس تخیلی رابطه شخصیت

۴.۴. تقویم نقشه موقعیت بر آگاهی

در این داستان گاهی رابطه میان توصیف یک فضا و استفاده کننده آن از صرف توصیف رابطه کارکردی فردی یا جمعی یا تأثیر محیط بر عواطف درونی فراتر می‌رود و با آگاهی‌های پیشین او از محیط پیوند می‌یابد. در این نحو بازنمایی اتمسفر علاوه بر میانجی‌های پیشین، توجه به میانجی چهارم یعنی میان اجزای ادراک شده و کل ساخته شده در حافظه شخصیت و خواننده و همین‌طور میانجی پنجم یعنی میان اکنون و زمانی دیگر حایز اهمیت است. در این نحو بازنمایی، تخیل خواننده هم همراه با شخصیت داستان در گیر خلق موقعیتی تازه در ذهن او می‌شود و در زمان و مکان بسط می‌یابد و اکنون و زمانی دیگر را به‌طور هم‌زمان درک می‌کند. این کنش تخیلی می‌تواند در سطح بازنمایی امور واقعی یا غیرواقعی در داستان نقش ایفا کند.

یکی از موارد قابل توجه این نحو بازنمایی و برپا کردن اتمسفر فضا هنگامی است که با حضور در هر فضای تازه، همراه با شخصیت‌های داستان، به‌مرور نقشه‌ای کلی از آن را در ذهن خود می‌سازیم. رولینگ در نوشته خود به ساخت این نقشه ذهنی برای خواننده از فضای قلعه هاگوارتز توجه دارد و سعی می‌کند در بخش‌هایی خواننده را در تقویم این نقشه کلی از مجموعه عظیم قلعه یاری کند و موقعیت قلعه، دریاچه، جنگل، و فضاهای داخلی را به‌مرور نسبت به هم تعیین بیشتری بخشد؛ مانند وقتی که هری، رون، و هرمیون دنبال محل برگزاری کلاس پیشگویی هستند و رون، با توجه به موقعیت دریاچه، جهت جنوب را تشخیص می‌دهد.^{۵۲} این تقویم موقعیت و ساخت نقشه کلی در ذهن به عناصر خارجی محدود نمی‌شود و در نسبت فضاها و کلاس‌ها با یکدیگر هم وجود دارد. در بخش‌های متعددی از داستان رابطه مکانی فضاهای مختلف توصیف می‌شود و به این ترتیب به‌مرور نقشه‌ای کلی و سه‌بعدی از فضاهای قلعه در ذهن خواننده شکل می‌گیرد.^{۵۳}

۵.۴. گمانه‌زنی تکنولوژیک

نحو دیگر بروز اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان که مفید برای مطالعات معماری است، گمانه‌زنی‌های نویسنده درباره شیوه‌های تازه ارتباط انسان و محیط از طریق عناصر جادویی است. این گمانه‌زنی‌ها از این حیث ارزش معمارانه دارند که بیانگر پیشنهادی تکنولوژیک درباره شیوه‌های ساخت و تغییر در نحوه ارتباط میان آدمی و محیط مصنوع هستند. در شناسایی این موارد در داستان هم به میانجی اول یعنی رابطه سوژه و ابژه نظر داریم و هم میانجی پنجم یعنی میان اکنون و زمانی دیگر؛ چراکه این موارد حکایتگر آرزویی انسانی برای آینده است. همچنین برای شناسایی این عناصر جادویی لازم است به میانجی سوم یعنی میان سادگی و تخصص نیز توجه شود؛ چراکه کشف آنها در متن نیازمند توجهی طراحانه به امری نسبتاً ساده و پنهان است. بیشتر این گمانه‌زنی‌های تخصصی و فنی در زمان نوشته شدن رمان هنوز محقق نشده بود، اما امروز ابزارهای تکنولوژی امکان تحقیقشان را به ما داده‌اند؛ مثل ورد ضدآب هرمیون برای عینک هری در میانه بازی کوئیدچ یا روشن شدن آتش بخاری دیواری با بشکن که امروز به‌ترتیب با مصالح نانوی ضدآب و هوشمندسازی ساختمان‌ها، امری ممکن شده است؛ از نمونه‌های دیگر این گمانه‌زنی‌ها نقشه غارتگر است. نقشه‌ای که موقعیت هر فرد در آن در هر لحظه مشخص است و امروزه در نقشه‌های مجازی زنده از آن استفاده می‌شود و در زمان نوشته شدن داستان امری نامتداول بوده است.^{۵۴}

۴.۶. اعجاز اتمسفریک

برخی دیگر از بازنمایی‌های اتمسفر فضا در داستان هری پاتر و زندانی آزکابان از تجربه‌های مکانی‌ای است که با عناصر جادویی رخ می‌دهند و تجربه‌شان هم برای شخصیت‌های داستان تازگی دارد و هم با این تازگی تخیل خواننده را معطوف

بود. همه شیشه‌هایی که در قفسه پشت میز اسنپ چیده شده بودند در مجاور شعله‌های آتش بخاری برق می‌زدند و بر رعب و وحشت فضای دفتر می‌افزودند (همان، ۳۲۶).

۵۰. هری به طبقه پایین رفت. در وسط راهرویی که به تریا می‌رسید و در آن ساعت کاملاً تاریک بود، صدای غضب‌آلودی از طرف سالن غذاخوری به گوشش رسید. بلافاصله صدای آقا و خانم ویزلی را شناخت. نمی‌خواست آنها بفهمند که او بگومگویشان را شنیده است، اما با شنیدن نام خودش ایستاد و به در سالن غذاخوری نزدیک‌تر شد (همان، ۷۹).

۵۱. از سرسرای ورودی گذشتند و وارد سرسرای بزرگ شدند. همه جای سرسرا را تزیین کرده بودند. صدها کدو تبیل توخالی که شمعی درون هر یک می‌سوخت اینجا و آنجا به چشم می‌خورد. یک دسته خفاش مثل ابر سیاهی از این سو به آن سو پرواز می‌کردند و نوارهای نارنجی شعله‌ور مثل مارهای آتشین در زیر سقف سرسرا که آن شب هوای توفانی را منعکس می‌کرد، در حرکت بودند (همان، ۱۸۶).

۵۲. هرمیون به راهرویی در طرف راستشان نگاه کرد و گفت: مثل اینکه باید از این طرف برویم. رون گفت: نه اون طرف جنوبه. از پنجره‌اش بیرون رو نگاه کن، یه ذره از دریاچه معلومه (همان، ۱۱۹).

پایان داستان، هری و هرمیون به کمک آن سیریوس بلک و حیوانی جادویی به نام هیوگریف را از مرگ نجات می‌دهند. قطعاً چنین تجربه‌ای هرگز عیناً در واقعیت رخ نمی‌دهد، اما همین غیرممکن بودنش است که هم‌زمان بال‌های خیال را می‌گشاید و اتمسفری ویژه برپا می‌کند که چگونگی تحقق شبیه به آن می‌تواند پرسش طراحانه‌ای را هم به‌وجود آورد.^{۵۴} همچنین این بازنمایی خیالی از حضور هم‌زمان در چند مکان هنگام مواجهه با بسیاری فضاها در جهان تخیل افراد رخ می‌دهد و از این طریق مکان‌ها لایه‌های معنایی دیگری را به روی ایشان می‌گشایند. وقتی با دیدن یا هر ادراک حسی دیگر از یک فضا، تخیلمان به‌طور هم‌زمان به روزها و جاهایی دیگر می‌رود و مثلاً گذشتگان ساکن یک بنای تاریخی را در ذهن می‌آوریم، یا در مواجهه با عنصری آشنا خاطره شخصی زنده می‌شود، تجربه‌ای نه عین زمان‌برگردان هرمیون اما شبیه به آن در عالم تخیل ما رخ می‌دهد و شاید به همین خاطر است که می‌توانیم زمان‌برگردان غیرعقلانی هرمیون را هم درک کنیم و از آن لذت ببریم.

در انتهای داستان هری پاتر و زندانی آزکابان، هری در موقعیت پرخطری در میان صدها دیوانه‌ساز گرفتار می‌شود و با اتفاقی حیرتانگیز نجات می‌یابد. ابتدا فکر می‌کند روح پدرش است که به کمک او آمده، اما بعد از استفاده از زمان‌برگردان متوجه می‌شود که خودش به کمک خودش آمده و با ساخت سپر محافظی قوی خودش و دوستانش را از چنگ دیوانه‌سازهای زیادی رها می‌کند. این قسمت نمونه آخر از اتمسفری جادویی و اعجاز‌آمیز در این داستان است. جایی که او بعد از اینکه متوجه می‌شود باوجود همه کمک‌ها و راهنمایی‌ها، درنهایت نجات‌دهنده اصلی خودش است، سپر محافظی قدرتمند می‌سازد و با آن دیوانه‌سازها را فراری می‌دهد.^{۵۵}

به امری دیگر می‌کنند، اما در این موارد، به‌دلیل غیرممکن بودنشان، نمی‌توان روزی را تصور کرد که مانند مورد قبلی عیناً در واقعیت محقق شوند. این توصیف‌ها تجربه مکان را برای خواننده بسط می‌دهند و تخیل را به اموری که امروز وجود ندارند و گاهی لایه دیگری را از تجربه حقیقی‌مان از فضاها می‌گشایند. در این موارد نقش میانجی پنجم مولد اتمسفر یعنی میان اکنون و زمانی دیگر قابل‌توجه است؛ البته با این تفاوت از نحو چهارم بازنمایی اتمسفر که در این مورد اکنون و زمانی دیگر نه‌فقط با عناصر قبلی در داستان و نقش بسته در حافظه شخصیت از فضاها پیشین، که در بسطی وسیع‌تر به زمان‌ها و مکان‌های دورتر در تجربه‌های پیشین او و خواننده رخ می‌دهد. نویسنده با این کار خواننده را به درک دیگری از مکان رهنمون می‌کند که هم لذت‌بخش است و هم در بسیاری مواقع عجیب؛ مثل سقف سحرآمیز سرسرای ورودی یا تجربه اولین پرواز هری با جاروی پرندۀ جدیدش آذرخش که در داستان — به‌خاطر بررسی کردن ایمنی آن — مدتی هم منتظر فرا رسیدن زمانش می‌ماند. پرواز با جاروی پرندۀ درکی متفاوت از زمین بازی و محوطه قلعه برای خواننده می‌سازد که با وجود این وسیله جادویی در پیوند است.^{۵۵}

مورد دیگر از بازنمایی اعجاز‌آمیز اتمسفر فضا در این داستان وسیله‌ای به نام زمان‌برگردان است. در هری پاتر و زندانی آزکابان یکی از شخصیت‌های اصلی یعنی هرمیون، به‌خاطر برنامه درسی فشرده‌اش، از وسیله‌ای ویژه به نام زمان‌برگردان استفاده می‌کند که با آن می‌تواند در یک زمان در دو یا چند مکان حاضر شود. این وسیله و وصف تجربه استفاده از آن نمونه‌ای خاص از میانجی پنجم یعنی میان اکنون و زمانی دیگر است. هرمیون با زمان‌برگردان برنامه فشرده درسی‌اش را مدیریت می‌کند و می‌تواند هم‌زمان در چند کلاس درس حاضر شود. این وسیله نقش مهمی در سیر روایت دارد و در

۵۳. هرسه همراه با جمعیت دانش‌آموزان از پله‌ها بالا رفتند، از در عظیم ورودی که از جنس چوب بلوط بود، گذشتند و وارد سرسرای ورودی غارمانندی شدند که مشعل‌های متعددی در آن روشن بود و پلکان مرمری باشکوه آن به طبقات بالا راه داشت. در سرسرای ورودی در سمت راست قرار داشت و هری در میان جمعیت به‌سوی آن شتافت. در این میان نگاه گذرای به سقف سحرآمیز آن انداخت، که امشب ابری و تیره بود (همان، ۱۰۷).

۵۴. بلافاصله خطوط ریز و ظریفی مانند تار عنکبوت روی کاغذ پوستی پدیدار شد و از همان نقطه‌ای که چوب‌دستی جرج به آن خورده بود شروع به حرکت کرد. خطوط به یکدیگر می‌پیوستند، همدیگر را قطع می‌کردند و تا لبه کاغذ امتداد می‌یافتند ... نقشه غارتگر نقشه کامل هاگوارتز بود که تمام جزئیات قلعه و محوطه اطراف آن را نشان می‌داد. نقطه‌های جوهری ریز و متحرک نقشه آن را نقشه‌ای استثنایی کرده بود. در کنار هر نقطه با حروفی ریزتر اسمی نوشته شده بود (همان، ۲۲۶).

نتیجه‌گیری

بسیاری از آثار ادبی چون بناهایی باشکوه پر از جزئیات معمارانه‌اند و اتمسفرهای فضایی را در حضور تنانه و مخیِّلشان در آمیختگی با ادراکات مختلف حسی و خاطرات بسیار بازنمایی می‌کنند. کافی است سفری به این قصد به آنها کنیم تا از آنها هم برای طراحی معماری بیاموزیم و هم به آنها چون آینه‌ای برای فهم بهتر دانش طراحی و پرورش تخیل طراحان بنگریم؛ مثلاً فهم عمیق‌تری از سیاق فرهنگی و اجتماعی آثار معماری به‌دست آوریم یا درک روشن‌تری از نحوه تأثیر کیفیت‌های فضایی بر بدن یا حالات روحی و روانی انسان کسب کنیم. همچنین با رجوع به آثار ادبی می‌توانیم آزادی‌ای در ساخت فضاهای مصنوع بیابیم که با شکستن محدودیت‌های رایج و گذر از کلیشه‌های رسوب‌کرده در ذهن، امکان تخیل شیوه‌های دیگری از ساخت یا تجربه فضاهای را به روی ما می‌کشایند. ادبیات نه‌تنها با بازنمایی‌های مختلف و چندوجهی از تجربه فضاهای، که با شکستن بسیاری مرزها و قواعد پذیرفته، بال‌های تخیل را می‌گشاید و همین به طراح کمک می‌کند به چیزی و جایی فراتر از وضع موجود و پاسخ‌هایی که تا امروز دیده، بیاندیشد. همچنین ادبیات طراحان را برای دیدن فضاهای کیفیات آن از زاویه افراد مختلف آماده و از این طریق آنها را در تصمیم‌گیری اخلاقی هنگام طراحی توانمندتر می‌کند. به‌خاطر ویژگی‌های خاص ادبیات، این نحو بازنمایی اتمسفر کیفیاتی از فضا را نمایان می‌کند که گاه هیچ‌طور دیگری امکان تحقق ندارند و گاه از طرق دیگر بسیار دیر و دور می‌توان به آنها دست یافت؛ مثل حضور هم‌زمان کلیات و جزئیات یا اکنون و آینده که در یک متن در فاصله چند کلمه امکان تحقق دارند، اما در شیوه‌های دیگر نیازمند عناصر بسیار برای بازنمایی هستند. کتاب *هری پاتر و زندانی آزکابان* نوشته جی.کی. رولینگ داستانی سرشار از استعدادهایی برای چنین مطالعه‌ای است. در

۵۵. سرانجام انتظار هری به پایان رسید و سوار بر آذرخش شد و با سرعت به پرواز درآمد. بسیار بهتر از آذرخشی بود که هری در رؤیاهایش می‌دید. با کوچک‌ترین تماس انگشتان هری برمی‌گشت. به‌نظر می‌رسید هدایت آذرخش را افکارش به‌عهده دارد نه دست‌هایش. با چنان سرعتی بر فراز زمین کوبید و پرواز می‌کرد که ورزشگاه همچون لکه‌های خاکستری و سبز به‌نظر می‌آمد. هری چنان به‌سرعت دور زد که آلیشیا اسپینت جیغ کشید و بعد ماهرانه فرود آمد و در امتداد زمین پیش رفت. چنان‌که پنجه پاهایش به چمن زمین کوبید و ساییده می‌شد و بعد دوباره اوج گرفت ... ده متر ... دوازده متر ... پانزده متر از زمین فاصله داشت. (همان، ۲۹۸).

۵۶. هرمیون ساعت شنی را سه بار برگرداند. درمانگاه تیره‌وتر شد. هری احساس می‌کرد با سرعتی سرسام‌آور به سمت عقب پرواز می‌کند. مجموعه‌ای از اشکال و رنگ‌های تار از کنارشان می‌گذشتند. قلبش به‌شدت می‌تپید. سعی کرد فریاد بزند، ولی صدای خودش را نمی‌شنید. ناگهان دوباره پایش روی زمین سخت قرار گرفت و تصاویر اطراف دوباره واضح و روشن شدند. هری کنار هرمیون در سرسرای ورودی ایستاده بود (همان، ۴۵۲).

تحلیلی که از انحاء بازنمایی اتمسفر فضا در این داستان بیان کردیم، موارد شناسایی‌شده از طریق میانجی‌های مولد اتمسفر را در شش نحو متفاوت آشنایی‌زدایی از مکان، تأثیر محیط بر احوال درونی، حضور جمعی در فضاها، تقویم نقشه موقعیت بر آگاهی، گمانه‌زنی تکنولوژیک، و اعجاز اتمسفریک بررسی کردیم. شش شیوه‌ای که هرکدام به طریقی بازنماینده اتمسفر فضای این داستان بود. قطعاً فهم یکپارچه از اتمسفر این داستان با خواندن کل آن و درگیری عاطفی با جزئیات ماجرای آن نمایان می‌شود. در این نوشته تنها با تمرکز بر انحاء بازنمایی اتمسفر فضا در این داستان سعی کردیم به آن نزدیک شویم و آورده‌ای برای تحقیقات معماری عرضه کنیم. از طریق نحو اول بازنمایی اتمسفر در داستان *هری پاتر و زندانی آزکابان*، یعنی آشنایی‌زدایی از مکان، توانستیم در مثال‌هایی از کلیشه‌های رایج و رسوب‌کرده در رابطه انسان‌ها و کاربری‌های شناخته‌شده فراتر رویم. تخیل را فعال کنیم، و به‌صورت‌های دیگری از فضاهای معماری آشنایی چون اتاق‌خواب یا مسافرخانه بیاندیشیم. با بررسی نحو دوم بازنمایی اتمسفر در این داستان درکی ملموس‌تر از چگونگی تأثیر ویژگی‌های محیط مصنوع بر احوال بهره‌برداران و ساکنان آن یافتیم. با نظر به شیوه سوم و مصادیق آن متذکر تفاوت ادراک جمعی و فردی اتمسفر شدیم. در نحو چهارم دیدیم که نویسنده هم چون معماری در خیال ساختمانی برپا کرده و به جانمایی و نشانی‌پذیری ذهنی این ساختمان — در این داستان قلعه هاگوارتز — نظر دارد و خواننده هم با خواندن این داستان به‌مرور در تخیل خود ساختمانی را برپا می‌کند و اجزای آن را در جای خود می‌نشاند. در نحو پنجم بازنمایی اتمسفر فضا به راهکارها و گمانه‌زنی‌های تکنولوژیک برای شیوه‌های ساخت محیط مصنوع در آینده در این داستان نظر کردیم و دیدیم که بیشتر آنها در زمان نوشتن داستان تنها در خیال نویسنده بوده‌اند، اما پس از مدتی به



۵۷. ... اما هیچ کس نیامد. هری سرش را بلند کرد که به حلقه دیوانه سازها در آن سوی دریاچه نگاه کند. یکی از آنها کلاهی را عقب برد. دیگر آن ناجی باید پدیدار می شد ... اما این بار هیچ کس برای کمک به آنها نیامد ... آنگاه ناگهان فکری در مغز هری جرقه زد و هری همه چیز را فهمید. او پدرش را ندیده بود، خودش را دیده بود ... بلافاصله هری از پشت درختچه ها بیرون جست و چوب دستی اش را درآورد و نعره زد: اکسپکتوپاترونوم! آنچه از انتهای چوب دستی خارج شد. توده مه رقیق و بی شکل نبود. یک حیوان نقره ای روشن و تابناک خیره کننده بود. هری چشم هایش را مالید و سعی کرد ببیند آن چه حیوانی است. مثل یک اسب بود که به نرمی از او دور می شد و از روی سطح دریاچه چهارنعل به ساحل مقابل نزدیک می شد. آن را دید که سرش را پایین آورد و به سوی دیوانه سازهای مهاجم حمله کرد ... به سرعت دور آنها چرخید تا اینکه دیوانه سازها گروه گروه عقب نشینی کردند و در تاریکی گم شدند ... همه آنها رفته بودند. سپر مدافع بازگشت. از روی سطح دریاچه یورتمه می آمد و به هری نزدیک می شد. اسب نبود. تک شاخ هم نبود. یک گوزن نر بود که مثل ماه می درخشید و اطرافش را روشن می کرد و به سوی هری بازمی گشت (همان، ۴۷۰).

جهان واقعی تجربه شان نکند، اما تجربه کردن خیالی آنها قوه تخیل را پرتوان تر و پرورش یافته تر برای اندیشیدن به فضاهای نو و کیفیات دیگر می کند و گاهی هم لایه ای دیگر از تجربه حقیقی را به یاد ما می آورد. در پایان لازم به توجه است که همه این موارد با اتخاذ چارچوب نظری خاصی از این داستان استخراج شده و قطعاً به معنی بیان همه ظرفیت های معمارانه این داستان نیست.

References

- Böhme, Gernot. "Architektur und Atmosphäre". In *Architektur und Atmosphäre*. Brill Fink, 2019.
- Böhme, Gernot. *Atmospheric Architectures: The Aesthetics of Felt Spaces*. Transl. A. CHR. Engles-Schwarzpaul. London and New York: Bloomsbury Academic, 2017.
- Borch, Christian, Juhani Pallasmaa, and Gernot Böhme. *Architectural Atmosphere: On the Experience and Politics of Architecture*. Transl. Morteza Nikfetrat. Tehran: Fekreno, 2017. (In Persian)
- Bridglall, Beatrice L. *On Exploring Craft: Writers as Architects*. UPA, 2015.
- Calvino, Italo. *Invisible Cities*. Transl. Taraneh Yalda. Tehran: Bagheni, 2002. (In Persian)
- Charley, Jonathan, ed. *The Routledge Companion on Architecture, Literature and the City*. Routledge, 2019.
- De Certeau, Michel. *The Practice of Everyday Life*. Berkeley: Univ. of California Press, 1984.
- De Matteis, Federico. "Atmosphere in Architecture". *International Lexicon of Aesthetics*, (2020): 1-5.
- Grieffo, Tonino. "Places, Affordances, Atmospheres". *A Pathic Aesthetics, London, New York*, 10 (2019): 9780429423949.
- Hall, Edward T. *The Hidden Dimension*. New York: Anchor Book Editions, 1990 (1966).
- Havik, Klaske Maria. *Urban Literacy: A Scriptive Approach to the Experience, Use and Imagination of Place*. TU Delft: 2012.
- _____. "TerriStories. Literary Tools for Capturing Atmosphere in Architectural Pedagogy". *Ambiances. Environnement Sensible, Architecture et Espace Urbain*, 5 (2019).
- _____. "Writing atmospheres: Literary methods to investigate the thresholds of architectural experience." In *The*

شيوه هایی غیرجادی و حقیقی در جهان واقعی هم تحقق یافته اند. و در مورد آخر دیدیم که با وجود همه اینها ظرفیت داستان برای تخیل فضا بسیار بیشتر از همه این موارد است و با آزادی ای که ساختن با کلمات به تخیل می بخشد، امکان اندیشیدن به اموری غیرممکن در جهان واقعی چون حضور همزمان در چند مکان را می گشاید و خواننده را به تجربه چنین اتمسفرهایی هم دعوت می کند؛ اتمسفرهایی که شاید هرگز در

Routledge Companion on Architecture, Literature and the City, Routledge, 2018, 270-282.

Havik, Klaske, Hans Teerds, and Gus Tielens. "Building Atmosphere". *OASE Journal for Architecture*, vol. 91, no. 1 (2013): 3-12.

Pallasmaa, Juhani. "The Atmospheric Sense: Peripheral Perception and the Experience of Space". In *Atmosphere and Aesthetics: A Plural Perspective*, (2019): 121-131.

Pérez-Gómez, Alberto. "Literary Language and Architectural Meaning: Mood in Alain Robbe-Grillet's House of Jealousy". In *The Routledge Companion on Architecture, Literature and The City*, Routledge, 2018, 179-189.

_____. *Attunement: Architectural Meaning after the Crisis of Modern Science*. MIT Press, 2016.

Psarra, Sophia. *Architecture and Narrative: The Formation of Space and Cultural Meaning*. Routledge, 2009.

Rowling, J.K. *Harry Potter and The Prisoner of Azkaban*. Transl. Vida Eslamieh. Tehran: Tandis, 2000 (In Persian)

Seamon, David. "Ways of Understanding Wholeness: Place, Christopher Alexander, and Synergistic Relationality". The 10th-annual conference on Christopher Alexander, Portland, Oregon, October 26, 2018.

Sioli, Angeliki and Yoonchun Jung, eds. *Reading Architecture: Literary Imagination and Architectural Experience*. Routledge, 2018.

Tuan, Yi-Fu. *Topophilia. A Study of Environmental Perception, Attitudes and Values*. Minneapolis, University of Minnesota Press, 1974.

Zumthor, Peter. *Atmosphere*. Transl. Ali Akbari. Tehran: Parham naghsh, 2015. (In Persian)

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.